



بانگاهی به پیام جدید رهبر انقلاب بررسی می شود

# سه راهبرد برای حفاظت از نیروی کار

سرمقاله

کند. به طور مثال، می شود برای بنگاه هایی که در دوره ی حمایت هیچ تعدیل نیرویی نداشتند، در سهم کارفرما از حق بیمه ی تأمین اجتماعی تخفیف قائل شد. همچنین اگر کارگاه اقتصادی مثلاً ۹۰ درصد نیروی کاری که پیش تر برایشان بیمه رد می شد را حفظ کرد، دولت می تواند این بنگاه ها را در اولویت تخصیص وام های مربوط به سرمایه در گردش قرار دهد. همچنین می توان به این بنگاه ها وام های با نرخ بهره ی ترجیحی نیز داد. به طور کلی، اشتغال بسیار مهم است. حفظ اشتغال کلیدی است. رهبر شهید انقلاب نیز همواره بر رشد اشتغال آفرین تأکید داشتند و برای کار و اشتغال ارزش ذاتی قائل بودند. بنابراین، از یک سو تلاش آحاد مردم و همچنین کارفرمایان برای حفظ اشتغال، نوعی جهاد است و از سوی دیگر، دولت نیز وظیفه دارد حتی الامکان در حفظ اشتغال بکوشد. تلاش برای حفظ اشتغال و بلکه اشتغال آفرینی باید در اولویت دستگاه های اجرایی قرار گیرد. شاید تشکیل «ستاد ملی حفظ شغل» با حضور وزارت کار، اقتصاد، صمت، سازمان برنامه، سازمان تأمین اجتماعی و اتاق های اصناف و بازرگانی، برای طراحی یک بسته واحد و جلوگیری از موازی کاری، ضروری و مفید است. ■

در چنین شرایطی - همان طور که بسیاری از کشورهای پیشرفته در رکود بزرگ سال ۲۰۰۸ میلادی عمل کردند- حتماً دولت نیز باید با سیاست های حمایتی، به کمک بنگاه های اقتصادی بیاید. حفظ نیروی کار، خودش کمک می کند اقتصاد زودتر از وضعیت رکودی به وضعیت رونق اقتصادی حرکت کند؛ چرا که وقتی نیروی کار حفظ شود و دستمزدها دریافت کند، تقریباً همه ی آن دستمزد دوباره به چرخه ی تقاضای کالاها و خدمات ایرانی بازمی گردد. اما دولت چه کمکی می تواند انجام دهد؟! تجربه ی کشورهای مختلف در طراحی نوعی برنامه های «حفظ شغل» و نظام «کار کوتاه مدت» می تواند درس آموز باشد. به طور مثال، دولت می تواند اعلام کند اگر بنگاه ها تعدیل نیرو انجام ندادند و به جای آن ساعت کار کارگران را کاهش دادند، مابه التفاوت دستمزد را پرداخت خواهد کرد. طبعاً این از پرداخت بیمه ی بیکاری بسیار بهتر است؛ هم هزینه ها برای دولت کمتر است و هم نیروی کار از فضای کار منفک نمی شود. همچنین اقتصاد نیاز به بازسازی دارد. می توان برنامه ای طراحی کرد که بخشی از نیروی کار تعدیل شده تا کنون، در پروژه های مرتبط با بازسازی اقتصاد به کار گرفته شوند. دولت همچنین می تواند، مشروط به عدم تعدیل نیرو در بنگاه های اقتصادی، بسته های حمایت مالی و بیمه ای طراحی

اساساً فشار از روی تولیدکننده برداشته می شود و نیاز به تعدیل و اخراج نیروی کار کاهش می یابد. از طرف دیگر، تأکید بر تغییر نگاه فعالان اقتصادی به نیروی کار و توجه به نیروی انسانی به مثابه سرمایه ی بنگاه نیز انگیزه ی اخراج نیروی کار را کاهش می دهد. واقعیت این است که اگر فعالان اقتصادی امروز به دلیل کاهش تقاضا و تولید، نیروی کار را اخراج کنند، وقتی در سال های پیش رودوباره به وضعیت رونق بازمی گردد، استخدام نیروی کار آشنا با آن فعالیت اقتصادی خاص و کسب مهارت های لازم زمان می برد. به عبارت دیگر، دانش اقتصاد نیروی کار نشان می دهد رابطه «بنگاه-کارگر» نوعی سرمایه است که از طریق تجربه، یادگیری و اعتماد طی سال ها انباشت می شود و جایگزینی آن پرهزینه است. اخراج گسترده ی نیروی کار در شرایط رکود اقتصادی، نه فقط به رفاه کارگران ضربه می زند، بلکه هزینه های استخدام، آموزش و آزمون و خطاهای تولیدی در دوره بعدی رونق را هم بالا می برد و سرعت بازیابی اقتصاد را کاهش می دهد. با این حال، دو توصیه ی فوق کافی نیستند. به هر حال، حتی اگر تقاضا برای محصولات ایرانی مقداری افزایش یابد و کارفرما نیز -به درستی- نیروی کار را سرمایه ی کارخانه و کارگاه خود ببیند، باز هم تنگنای اقتصادی ممکن است او را وادار به تعدیل بخشی از نیروی کار خود کند.

محدود کردن جنگ تحمیلی جاری علیه ایران به زد و خورد نظامی، نادیده انگاری واقعیت و ماهیت این نبرد است. بدون شک، جنگ اقتصادی یکی از جبهه های اصلی این نبرد است که از سال ها پیش آغاز شده و همچنان ادامه دارد. در جنگ نظامی اخیر نیز، اهداف و رویکردهای اقتصادی -مانند حمله به زیرساخت ها و محاصره دریایی- یکی از ابعاد مهم درگیری بود و همچنان هست. از این رو، باید برای این جبهه نیز بیش از پیش آماده بود و کمر همت بست تا دشمن راهمچون جبهه نظامی، ناکام گذاشت. رهبر معظم انقلاب در بخشی از پیام خود به مناسبت روز کارگر و روز معلم، بر «اجتناب از تعدیل نیرو و جداسازی نیروی کار تا حد ممکن» تأکید کردند. در این پیام، سه راهبرد برای حمایت از نیروی کار پیشنهاد شده است: یک) «اولویت دادن به مصرف کالا های ساخت داخل» که وظیفه ی آحاد مردم است. دو) نگاه به نیروی کار به منزله ی ثروت واحدهای تولیدی و خدماتی که وظیفه ی بنگاه های اقتصادی است. و سه) حمایت از حفظ نیروی کار توسط دولت در حد مقدور. در این سه راهبرد، عملاً برای آحاد فعالان اقتصادی نقش تعریف شده است. اگر تقاضا برای محصولات کارگاه و کارخانه ی ایرانی بیشتر شود، این بنگاه های اقتصادی از رکود خارج می شوند. بنابراین،

دارند... به راستی که بعضی چگونه ما را نصیحت به صبر می کنند؟! آه، یوسف عزیزمان! ز گریه کور گشتیم مثل یعقوب، گذر کرد صبرمان از صبر ایوب... آه، یوسف عزیزمان... آه، یوسف عزیزمان!

آخین صحبت یک هموطن ایرانی خطاب به رهبر شهید انقلاب اسلامی

آه، یوسف عزیزمان! دو ماه است که عشاق، جای جگر به سینه، وصله آتش را ز اشک غم دوری ات سپید دارند...

سخنی با شهید

## جنگ منطقه ای

### ضد و نقیض آمریکا از خسارات جنگ

به مرور زمان، ابعاد تازه تری از میزان خسارات، تلفات و هزینه های جنگ علیه ایران برای آمریکا در حال آشکار شدن است. به طوری که تصویر اولیه ای که از هزینه ها ارائه می شد، اکنون با داده های جدید در حال تغییر است و برآوردها را به سطحی بالاتر می برد. در همین رابطه، وزارت دفاع آمریکا در جلسه استماع کنگره اعلام کرد که هزینه های مستقیم جنگ تاکنون حدود ۲۵ میلیارد دلار برآورد شده است. اما خیلی زود پس از انتشار این عدد، برخی رسانه های آمریکایی تأکید کردند که این رقم به طور قابل توجهی کمتر از خسارات واقعی است و تنها بخشی از هزینه ها را پوشش می دهد. در همین رابطه سی ان ان به نقل از منابع آگاه خود اعلام کرد که برآورد واقعی خسارات، با در نظر گرفتن هزینه های بازسازی، جایگزینی تجهیزات و آسیب های زیرساختی، احتمالاً ۵۰ میلیارد دلار خواهد بود؛ رقمی که فاصله زیادی با اعلام اولیه پنتاگون دارد. سی ان ان همچنین گزارش داده است که دست کم ۱۶ سایت نظامی ایالات متحده در منطقه، در جریان حملات ایران، هدف قرار گرفته و دچار آسیب شده اند. این تاسیسات آسیب دیده اکثر مواضع نظامی ایالات متحده در غرب آسیا را تشکیل می دهند و خسارات نیز، شامل اهداف با ارزش بالا می شود.

### دکتر لاریجانی شهید خدمت به نظام اسلامی

در چهلمین روز شهادت دکتر علی لاریجانی، تصویری از دیدار رئیس و مسئولان سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران با رهبر انقلاب اسلامی در سال ۱۳۸۱ در رسانه ها مورد توجه قرار گرفته است. در این تصویر رهبر شهید انقلاب در حال تقدیر از شهید لاریجانی دیده می شوند.



### جنگ چهل روزه و قدرت اتحاد اجتماعی

مجله آمریکایی فارن افرز در گزارشی نوشته است: «پیامد ناخواسته حمله مشترک آمریکا و اسرائیل این بود که نظام ایران در میانه طوفان تثبیت شد. استراتژیست های واشنگتن و تل آویو تصور می کردند فشار نظامی باعث می شود مردم علیه حاکمیت بشورند، اما این حمله ناسیونالیسم ایرانی را بیدار کرد. اکنون حتی منتقدان داخلی هم برای دفاع از خاک و تمامیت ارضی، در کنار نظام قرار گرفته اند.» جنگ چهل روزه، برخلاف برآورد طراحان، نه به تضعیف بلکه به تثبیت ساختار سیاسی ایران انجامید، چرا که متجاوزان هیچ درکی از قدرت اراده مردم و انسجام اجتماعی نداشتند. خطای اصلی، نادیده گرفتن الگوی رفتاری جامعه ایرانی بود؛ الگویی که میان انتقادهای داخلی نسبت به مشکلات و مواجهه با بیگانه تمایز قائل است و در لحظه تهدید، اولویت را به حفظ کشور می دهد. این همبستگی، ریشه در حافظه تاریخی، هویت ملی و حساسیت نسبت به تمامیت ارضی دارد. برای مردم ایران، تهدید خارجی، امری وجودی است که بازتعریف فوری اولویت ها را به دنبال دارد. در حقیقت، طراحان جنگ علیه ایران تصور می کردند شکاف های اجتماعی می تواند در لحظه بحران به گسست سیاسی تبدیل شود، اما طوفان انسجام اجتماعی مردم ایران تمام این طراحی ها را بر هم زد.